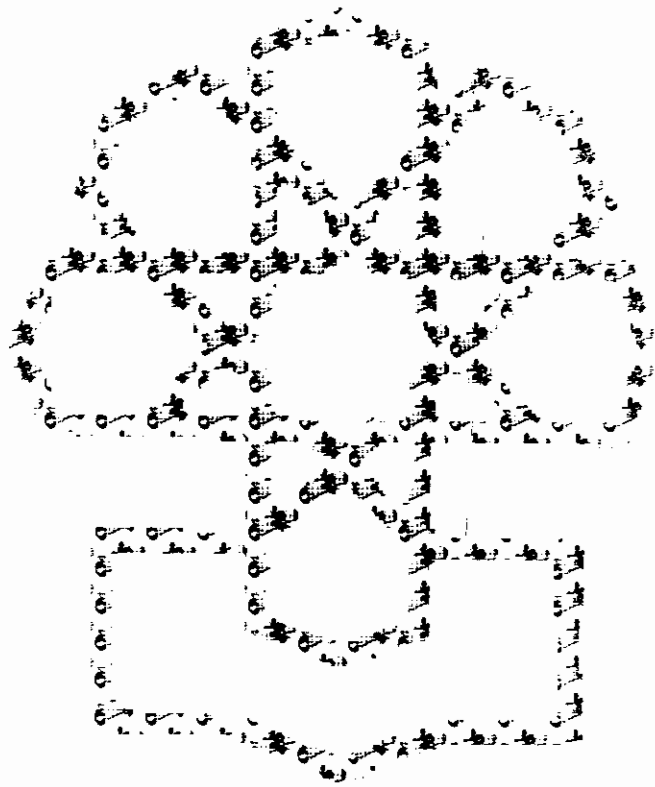


مروری بر وضعیت کشاورزی ایران



معاونت پژوهشی
فروردین ۱۳۷۸

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

کد گزارش: ۲۵۰۴۳۷۷

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
ت. خانه و واحد اسناد
شماره: ۱۰۵۰۹
تاریخ: ۷۸ / ۲ / ۱۳

بسمه تعالی

مروری بر وضعیت کشاورزی ایران

کد گزارش: ۲۵۰۴۳۷۷

مقدمه

زندگی انبیا علیه السلام دو وجه مشخص و مرتبط به هم داشت: آنان از سویی پیام آور الهی بودند و چهره‌ای منکوتی داشتند و از سویی دیگر در میان مردم زندگی می‌کردند و از سیمایی بشری برخوردار بودند. از نکات قابل توجه در زندگی انبیا، اهمیتی بود که به مقتضای اقتصاد عصر خویش به امر دامپروری یا کشاورزی می‌دادند و خود نیز در این نوع فعالیت‌ها شرکت می‌کردند. آن گروه از انبیا که در مناطق سرسبز و برخوردار از مراتع زندگی می‌کردند همچون دیگر مردم به دامپروری می‌پرداختند و گروه دیگری که در مناطق حاصخیز و جنگه‌ای ساکن بودند زندگی خویش را از راه کشت و زرع اداره می‌نمودند. در متون دینی اولین نشان از کشت و زرع را می‌توان در زندگی فرزندان حضرت آدم (ع) یعنی هابیل و قابیل جستجو نمود.

در مورد انبیا اولی العزم حضرت نوح علی‌الظاهر به کشاورزی می‌پرداخته است. واقعه معروفی که خداوند وی را به کشت نخل برای چند مرتبه امر فرمود مؤید این مطلب است. در مورد پیشوایان دینی مانیز باید اذعان داشت که تعدادی از امامان ما در زمینه کشاورزی و باغداری و احیای موات فعال بوده‌اند. چنانکه در مورد حضرت علی (ع) آمده است که وی نخلستانی را به دست مبارک خویش احیا نمود. همچنین در مورد امام محمدباقر (ع) نیز روایاتی وجود دارد که مؤید این مطلب است که حضرت به امر کشاورزی در مدینه اشتغال داشتند و از این راه امرار معاش می‌نمودند. در نظام اسلامی نیز بر اهمیت کشاورزی تأکید فراوانی وجود دارد. تا آنجا که کشاورزی محور توسعه کشور شناخته شده است. بنابراین لازم است با برنامه‌ریزی دقیق و بایه‌ره‌گیری از علوم و فنون و تکنولوژی روز چه در جهت مکانیزه نمودن کشت و زرع و چه در قسمت صنایع تبدیلی زمینه‌های لازم را برای رونق این امر خداپسندانه فراهم آوریم.

بحث اول - حفظ محیط زیست، توسعه پایدار و کشاورزی

امروزه محیط زیست انسان با بحران ناشی از بی‌توجهی و عدم احساس مسئولیت در قبال منابع طبیعی روبه‌رو است.

مسائلی نظیر:

- گرم شدن کره زمین در اثر گازهای گلخانه‌ای و ایجاد حفره در لایه اوزون، کاهش جنگل‌ها، رشد و گسترش بیابان‌زایی - همه حاصل تعدی بشر به محیط زیست و هم‌نوعان خویش می‌باشد. تعدیات و ظلم‌هایی که تحت لوای توسعه صنعتی در کشورهای توسعه یافته و به بهای تخریب

محیط زیست به دست آمده است. از دیدگاه معیارهای انسانی و اخلاقی توسعه‌ای مفید و مجازات که کمترین ضرر ممکن به محیط زیست و منابع طبیعی را وارد آورد. این توسعه که امروزه به توسعه پایدار معروف شده است می‌تواند فصل جدیدی را در توجه بشر به محیطی که در آن زندگی می‌کند و کره خاکی را به همراه داشته باشد.

۱- توسعه پایدار

بنابراین تعریف توسعه پایدار عبارتست از:

«حفاظت و مدیریت از منابع طبیعی پایه و معرفی و به‌کارگیری پیشرفت‌های تکنولوژیکی و تشکیلاتی که از آن طریق بتوان نیازهای انسان را برای حال و آینده به‌طور مستمر و قابل قبولی تضمین نمود». چنین توسعه‌ای می‌تواند سبب حفاظت از اراضی، منابع آب، منابع ژنتیکی گیاهی باشد. یکی از مطالب مهم و راه حل‌های اصلی برای حفاظت از محیط زیست توأم با توسعه اقتصادی و صنعتی که امروزه در کشورهای توسعه یافته به صورت جدی دنبال می‌گردد مسئله «تکنولوژی سبز» است.

۲- تکنولوژی سبز

یکی از مباحث مهم برای تحقق برنامه‌های محیط زیست و توسعه پایدار استفاده و بهره‌جویی از تکنولوژی سبز در زمینه‌های مختلف خواهد بود. کشورهای جهان از نظر دسترسی به تکنولوژی‌ها و منابع مالی کافی برای سرمایه‌گذاری در زمینه محیط زیست و توسعه متفاوت بوده و اهداف مرحله‌ای خاص خویش را دنبال می‌کنند.

«تکنولوژی سبز» شامل تکنولوژی‌هایی می‌گردد که:

- ۱- محیط را کمتر آلوده می‌کنند.
- ۲- مواد اولیه کمتری مصرف می‌کنند.
- ۳- منابع اولیه را بهتر مصرف می‌کنند.
- ۴- بازیابی ضایعات آنها تکنولوژی‌های ساده‌تری می‌طلبد و پالایش نهایی ضایعات آنها آسان‌تر می‌باشد. کشورهای در حال توسعه با به‌کارگیری روش ارائه شده با توجه به فعالیت‌های نرم‌افزاری که در هر مرحله انتخاب می‌نمایند قادر خواهند بود قبل از به‌کارگیری روش‌ها و تکنولوژی‌های پیچیده بهبود در شرایط محیط زیست را تحصیل نمایند.

۳- توسعه کشاورزی پایدار

یکی از مسائلی که به علت ارتباط مستقیم با منابع طبیعی نظیر خاک و آب از یک سو و غذای انسان‌ها از سوی دیگر باید در چارچوب توسعه پایدار قرار گیرد کشاورزی است.

در اکثر کشورهای دنیا توسعه کشاورزی از جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌ریزی دولت‌ها برخوردار است. از آنجایی که کشاورزی شاید اصلی‌ترین منبع تأمین خوراک انسانی است بنابراین شکی در سعی و تلاش جهت توسعه آن وجود ندارد. اما از طرفی دیگر توسعه کشاورزی اگر با توجه به حفظ مسائل زیست محیطی

و حفظ و صیانت از منابع آب و خاک و محیط نباشد می تواند به شدت باعث آلودگی و تخریب محیط زیست باشد. این مهم باعث گردیده که از سالیان پیش بحث «توسعه پایدار کشاورزی» مطرح گردد.

طبق تعریف مؤسسه منابع جهانی «توسعه کشاورزی پایدار» عبارت است از:

«نظامی که به شیوه‌ای پایا و بادوام، بهره‌وری اساسی منابع طبیعی و الگوهای زراعی را بهبود بخشد به طوری که کشاورزان می توانند، عرضه محصولات کشاورزی را هماهنگ با رشد جمعیت و رشد اقتصادی با توجه محیط زیست، افزایش دهند».

به طور خلاصه می توان اهداف توسعه کشاورزی پایدار را به صورت زیر دسته بندی کرد.

۱- حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست (خاک، آب، هوا، جنگل و مرتع و...);

۲- ایجاد امنیت غذایی و برنامه‌ریزی برای تولید بیشتر متناسب با رشد جمعیت;

۳- هماهنگ نمودن فعالیت‌ها به گونه‌ای سازگار با محیط زیست و نه در جهت تخریب آن;

۴- افزایش اشتغال در بخش کشاورزی;

۵- کاربرد به اندازه و در حد ضرورت موادشیمیایی مانند کودها و استفاده از کم‌ضررترین آنها در صورت لزوم.

بحث دوم - کشاورزی در آئینه آمار

در این فصل مروری خواهیم داشت بر بعضی از آمارهای کشاورزی.

۱- گندم

میزان تولید گندم در سال گذشته (۱۳۷۶) برابر ۱۰۰۴۴ هزار تن بوده است. سطح زیر کشت گندم در این سال ۶۲۹۸ هزار هکتار بوده است. میزان تولید گندم نسبت به سال ۷۳ سال قبل از برنامه دوم حدود ۴۵۰۰ تن یعنی حدود ۴۲ درصد کاهش داشته است. متوسط عملکرد هکتار برای گندم در این سال ۱۵۹۰ کیلو در هر هکتار بوده است. در سال ۱۳۷۶، همچنین حدود ۳,۲۶۳,۰۰۰ تن گندم به ارزش بیش از ۵۰۰ میلیون دلار جهت تأمین نیاز داخلی وارد کشور گردیده است.

۲- جو

میزان تولید جو در سال ۱۳۷۶، ۲۴۹۸ هزار تن بوده است. سطح زیر کشت جو در این سال ۱۵۰۱ هکتار بوده است. متوسط عملکرد جو در هکتار در این سال حدود ۱۶۶۴ کیلو در هر هکتار بوده است. متوسط عملکرد جو در هر هکتار در سال ۱۳۷۳ یعنی سال قبل از شروع برنامه دوم ۱۷۳۳ کیلو در هر هکتار بوده است. تولید جو در این سال حدود ۵۴۷ هزار تن کمتر از سال ۱۳۷۳ بوده است. یعنی حدود ۱۸ درصد کاهش یافته است.

۳- برنج

میزان تولید انواع شلتوک برنج در سال ۱۳۷۶، ۲۳۵۰ هزار تن و سطح زیر کشت برنج در همین سال ۵۶۳ هزار هکتار بوده است. این میزان تولید نسبت به سال ۱۳۷۳، ۹۱ هزار تن افزایش یافته است.

۴- حبوبات

میزان تولید حبوبات در سال ۱۳۷۶، ۵۴۵ هزار تن بوده است. این میزان برای سال ۱۳۷۳، حدود ۵۵۶ هزار تن بوده است. سطح زیر کشت این محصول در سال ۱۳۷۶ حدود ۱۰۳۴ هزار هکتار بوده است.

۵- محصولات جالیزی

در سال ۱۳۷۶ میزان تولید این محصولات برابر با ۴۶۷۴ هزار تن بوده است. این میزان در سال ۱۳۷۳ برابر ۳۴۸۳ هزار تن بوده است که با افزایش معادل ۱۱۹۱ هزار تن در این قسمت رو به رو بوده ایم. سطح زیر کشت این محصولات در سال ۱۳۷۶ برابر با ۲۹۴ هزار هکتار بوده که نسبت به سال ۱۳۷۳ حدود ۶۲ هزار هکتار افزایش یافته است.

۶- سبزیجات (شامل سیب زمینی، گوجه فرنگی، پیاز و...)

میزان تولید سبزیجات در سال ۱۳۷۶ برابر با ۹۱۵۳ هزار تن بوده است. این میزان نسبت به سال ۱۳۷۳ حدود ۲۷.۳ درصد رشد داشته است. سطح زیر کشت این محصولات در سال ۱۳۷۶، ۴۱۴ هزار هکتار بوده که نسبت به سال ۱۳۷۳ حدود ۲۵ درصد افزایش یافته است.

۷- چغندر قند

میزان تولید چغندر قند در سال ۱۳۷۶ برابر ۴۷۵۴ هزار تن بوده است. این میزان در سال ۱۳۷۳ برابر ۵۲۹۵ هزار تن بوده است که متأسفانه در طی دوره فوق حدود ۵۴۱ هزار تن کاهش یافته است. سطح زیر کشت این محصول در طی دوره فوق با کاهشی معادل ۶/۵ درصد بوده است.

۸- دانه های روغنی

میزان تولید دانه های روغنی در سال ۱۳۷۶، حدود ۲۶۷ هزار تن بوده است که نسبت به سال ۱۳۷۳، حدود ۷ درصد کاهش نشان می دهد. سطح زیر کشت این محصول نسبت به سال ۱۳۷۳، حدود ۱۱ درصد افزایش نشان می دهد.

بحث سوم - سیاست های کشاورزی

از مرور آمارهای موجود متوجه می شویم که علی رغم اهداف اعلام شده در برنامه دوم توسعه هنوز در بخش تولید محصولات استراتژیک مانند گندم، جو، چغندر قند و دانه های روغنی با مشکلات عدیده ای رو به رو هستیم.

رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیرشان از مؤسسه تحقیقاتی جنگل ها و مراتع... اشاره ای داشتند با این مضمون که «برای کشور ما شرم آور است که گیاهان و علی الخصوص گیاهان خوراکی مورد نیاز کشورمان را از خارج وارد کنیم».

به راستی چه عاملی باعث می گردد که علی رغم سرمایه گذاری فراوان در بخش کشاورزی به عنوان محور برنامه دوم توسعه، به اهداف از پیش اعلام شده محقق نشود و به ناچار سالانه میلیون ها دلار صرف واردات محصولات غذایی گیاهی نظیر گندم و دانه های روغنی گردد.

شاید بتوان دلایل متعددی در ارتباط با عدم موفقیت بخش کشاورزی ذکر نمود. در این قسمت به چند محور اساسی اشاره می گردد.

۱- ضعف سیاست های حمایتی

یکی از دلایل عدم موفقیت را می توان نادرست بودن سیاست های حمایتی دولت عنوان نمود.

به عنوان مثال در مورد چغندر قند در سال ۱۳۷۴ هیچ گونه افزایشی در قیمت‌های اعلام شده از سوی دولت مشاهده نشد به همین دلیل از سطح زیر کشت زمین‌های زراعی این محصول کاسته شد و این زمین‌ها برای کشت محصولات جالیزی و سبزی مورد استفاده قرار گرفت. در نتیجه صنایع تبدیلی وابسته به چغندر قند نیز با رکود مواجه گردید و دولت مجبور به واردات شکر از خارج گردید.

در مورد گندم و جو نیز وضع به همین متوال است.

یعنی در اثر پایین بودن قیمت‌های تضمین اعلام شده از سوی دولت و نبود قیمت تعادلی در مورد گندم و جو تولید این محصولات در سال‌های اخیر با کاهش مواجه شد. به نحوی که در ۳ سال گذشته واردات گندم نسبت به سال‌های قبل از آن افزایش چشمگیری داشته است. این مسئله باعث می‌شود که کشاورزان به سمت تولید محصولات جذاب‌تر و پرسودتر متمایل گردند. این در حالی است که حتی در مواردی همین قیمت تضمینی اعلام شده نه چندان راضی‌کننده نیز به دلیل مشکلات اجرایی اعمال نمی‌گردد. کشاورزان مجبور می‌شوند که به دلیل نیاز محصول خود را به قیمت پایین‌تر در بازار آزاد به فروش برسانند.

به هر حال دولت باید در جهت تقویت سیاست‌های حمایتی و خرید تضمینی کوشش کافی بنماید. فراموش نشود که هر ساله مقداری زیادی گندم با قیمت هر کیلو تقریباً ۱۵ سنت وارد کشور می‌گردد. همچنین اختصاص نهاده‌های کشاورزی شیمیایی مثل کود و سم به کشاورزانی که مبادرت به تولید این محصولات می‌نمایند و تعیین جایزه برای تولید موفق محصولات کشاورزی استراتژیک می‌تواند در این راستا مؤثر باشد.

۲- مشخص نبودن سیاست‌های بازرگانی و تنظیم بازار

یکی از مسائلی که در سال‌های اخیر باعث نوسان در تولید و فروش محصولات کشاورزی شده است مشخص نبودن سیاست‌های صادراتی و وارداتی دولت در زمینه محصولات زراعی و صنایع تبدیلی وابسته به بخش کشاورزی است. به عنوان مثال یک سال یک محصول برای صادرات آزاد است و سال دیگر ممنوع و نمی‌توان از پیش برآورد نمود که در سال آینده صادرات کدام محصول مجاز و کدام محصول ممنوع است. به عنوان نمونه در ماه‌های آخر سال جاری صادرات پیاز آزاد گردید و قیمت پیاز به شدت در بازار افزایش یافت. این مسئله باعث می‌شود که سال آینده بسیاری از کشاورزان محصول سنتی مزراع خویش را رها نموده و مبادرت به تولید پیاز می‌نمایند که موجب ایجاد نوسانی در میزان تولید سایر محصولات کشاورزی می‌گردد. به علاوه چون هنوز سیاست آینده دولت در قبال محصولات کشاورزی کاملاً مشخص نیست به صادرات آن نیز نمی‌توان امیدوار بود.

به هر حال این مسئله باعث شده است که کشت بسیاری از محصولات به صورت ادواری و سالانه تغییر یابد و موجب نوساناتی در وضعیت بازار مصرف محصولات کشاورزی گردد. وجود سیاست‌های مشخص در بازار و بازرگانی می‌تواند به امر برنامه‌ریزی در زمینه تولید محصولات کشاورزی کمک شایانی بنماید.

۳- متوسط عملکرد در هکتار

یکی از مسائل قابل توجه در کشاورزی کشورمان مسئله متوسط عملکرد تولید در هکتار بعضی از محصولات است که نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر ضعیف و غیر قابل قبول است.

به عنوان مثال در حالی که متوسط گندم در ایران در دو سال گذشته حدود ۱/۶ تن در هکتار بوده است رکود جهانی آن بیش از ۷ تن و حتی در بسیاری از کشورهای جهان سوم بیش از ۲ تن است.

دلایل این مطلب را می توان در ساختار تولید سنتی در نیمه سنتی محصولات کشاورزی و همچنین فقدان پژوهش و تحقیقات به صورت سازمان یافته در بخش کشاورزی است.

تحقیقات در بخش کشاورزی در کشور ما دارای سابقه ای طولانی است. در عین حال این سؤال مطرح است که چرا با وجود این سابقه طولانی که حدود نیم قرن را در بر می گیرد و حضور تشکیلات وسیعی تحت عنوان سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی، دستگاه های اجرایی بخش از نظر یافته های تحقیقاتی جهت دهنده اصلاحات و تحولات کشاورزی فقیر هستند؟

معمولاً در اکثر کشورها وظیفه اصلاح بذر و بررسی مقایسه ای رشد محصولات با آب و هوا و شرایط اقلیمی به عهده بخش تحقیقات است. حرکت اخیری که در چند سال گذشته در بسیاری از کشورها توسط بخش تحقیقات کشاورزی در زمینه ژنتیک گیاهی آغاز گردیده باعث پیشرفت و جهش در میزان تولید و همچنین کیفیت بسیاری از محصولات کشاورزی گردیده است. متأسفانه در کشور ما هنوز به این مسئله توجه چندانی معطوف نگردیده است. جا دارد با بررسی و نقد عملکرد سالیان گذشته بخش تحقیقات کشاورزی سعی گردد که این بخش از جایگاه ویژه خود برخوردار گردد. این مسئله می تواند در فراهم آوردن زمینه های لازم جهت گذار از دوران کشاورزی سنتی و نیمه سنتی به کشاورزی مدرن با استفاده از یافته های علمی و تکنولوژیک بسیار مؤثر باشد.

۴- عدم ارتباط منطقی بین کشاورزی و صنعت

نبودن ارتباط منطقی و مناسب بین بخش کشاورزی و صنعت و ناتوانی صنایع کشور در تأمین نیازهای بخش کشاورزی از دیگر عوامل توسعه یافتگی این بخش است. رفع تنگناهای تولید و عرضه فرآورده های کشاورزی از عوامل پیوند کشاورزی و دیگر بخش ها به ویژه صنایع تبدیلی غذایی است. صنایع تبدیلی غذایی به عنوان صنایع تولید و فرآوری محصولات کشاورزی (نگهداری، عمل آوری و آماده سازی) از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

بحث چهارم - صنایع تبدیلی در کشاورزی

سرزمین پهناور ایران بستری مناسب برای تولید انواع محصولات کشاورزی، باغی، مرتعی، جنگلی و دامی می باشد. از سوی دیگر کشاورزی به عنوان محور توسعه اقتصادی ایران مطرح است و با توجه به موقعیت ویژه کشور خودکفایی در تهیه غذا، تأمین امنیت غذایی و استفاده بهینه از تمامی امکانات و منابع در این راستا اهمیت بسزایی دارد.

در حال حاضر از ظرفیت های کشاورزی ایران به طور کامل استفاده نمی شود. به علاوه از حدود ۶۰ میلیون تن فرآورده های کشاورزی و غذایی کشور حدود ۳۰ درصد در مراحل مختلف تولید ضایع و فاسد می گردد.

بخش کشاورزی ایران علی رغم توجه و تعیین آن به عنوان محور توسعه رشد مطلوبی نداشته است.

مطالعات و بررسی‌های انجام شده دلایلی چندرا نشان می‌دهد که از آن جمله می‌توان به توسعه نیافتگی بخش صنایع تبدیلی غذایی اشاره کرد. صنایع تبدیلی در بخش کشاورزی به صناعی گفته می‌شود که ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با زیربخش‌های مختلف بخش کشاورزی داشته باشد. این صنایع با تکمیل فرایند تولید مواد کشاورزی و آماده‌سازی این محصولات برای عرضه به بازار فروش و مصرف نیمه‌ساخته ایفای نقش می‌کنند.

با احداث و توسعه صنایع تبدیلی، محصولات و فرآورده‌های مختلف کشاورزی که در مناطق روستایی تولید می‌شود برای تکمیل زنجیره تولید به این صنایع منتقل می‌گردد. این صنایع با حفظ خواص محصولات غذایی و کشاورزی و منابع طبیعی کیفیت محصول و ارزش آن را افزایش می‌دهند. همچنین با ایجاد صنایع تبدیلی کالاهای متنوعی از بخش کشاورزی حاصل می‌آید که در برخی موارد از یک محصول ده‌ها فرآورده به دست می‌آید. صنایع تبدیلی کشاورزی به طور خلاصه به مواد زیر طبقه‌بندی می‌شود:

۱- صنایع غذایی به ویژه در تولید گندم و جو، حبوبات و غیره؛

۲- صنایع کنسرو و کمپوت در رابطه با تولید سبزیجات، صیفی‌جات باغداری و شیلات؛

۳- صنایع روغن‌کشی و اسانس‌گیری در رابطه با تولید دانه‌های روغنی؛

۴- صنایع بسته‌بندی در رابطه با میوه، خرما، پسته و غیره؛

۵- صنایع لبنی در ارتباط با دامداری؛

۶- صنایع چرم و پوست؛

۷- صنایع نساجی و بافندگی در رابطه با تولید پنبه؛

۸- صنایع چوب و کاغذ در مناطق جنگلی؛

۹- صنایع سردخانه‌ای و نگهداری مواد غذایی؛

برای نمونه تغلیظ (کنسانتره) میوه اهمیت فوق‌العاده‌ای در جلوگیری از ضایعات میوه دارد. با توجه به گستردگی تولیدات باغی ایران، توسعه این صنعت موجب رونق فعالیت‌های باغی می‌گردد.

همچنین صنایع تبدیلی سیب‌زمینی، رب گوجه‌فرنگی، تهیه خوراک دام از ضایعات کشاورزی و... ضمن ایجاد ارزش افزوده بالا در هر یک از موارد به گسترش تولید کشاورزی منجر می‌گردد و از بسیاری از ضایعات جلوگیری می‌کند.

ویژگی اصلی صنایع تبدیلی فن‌آوری ساده و کاربر بودن آن است و احداث آن در مقایسه با صنایع سنگین و زیربنایی هزینه بالایی ندارد و به راحتی قابل توسعه در نقاط مختلف است. لذا گسترش صنایع تبدیلی در ایجاد اشتغال مواد به ویژه در مناطق روستایی که رونق و آبادی و افزایش مضاعف محصولات کشاورزی را در پی دارد مؤثر است.

در حال حاضر یکی از علل عدم سرمایه‌گذاری کافی در بخش کشاورزی صرف اقتصادی کمتر آن در مقایسه با بخش خدمات و دیگر بخش‌ها می‌باشد که از علل آن فقدان سیستمی منسجم برای توزیع، انبار، بسته‌بندی و تبدیل محصولات و تولیدات بخش کشاورزی است چرا که ورود محصول در زمانی مشخص و عدم تناسب عرضه و تقاضا در بازار، زمینه کاهش شدید قیمت که خسارت آن عمدتاً به تولیدکنندگان بخش کشاورزی است را فراهم می‌سازد.

موضوع مهم دیگر توجه به صادرات فرآورده‌های کشاورزی است. در حال حاضر محصولات

کشاورزی ایران به دلیل عدم توسعه صنایع بسته‌بندی و رشد نیافتگی صنایع تبدیلی به صورت فله و بسیار ساده به برخی بازارهای جهانی صادر می‌گردد که ضمن ضایعات بالا درآمد چندانی نیز به همراه ندارد. در این میان برخی از کشورها با فرآوری محصولات ایران یا بسته‌بندی مناسب آن درآمد هنگفتی به دست می‌آورند. توسعه برنامه‌ریزی شده صنایع تبدیلی و بسته‌بندی در کنار بازاریابی مناسب می‌تواند جایگاه ویژه‌ای برای صادرات بخش کشاورزی ایران ایجاد نماید.